

رپرتاژی از خلع سلاح پایگاه مزدوران رژیم توسط مردم روستای سردوش (فرید هوشیاری)

کارشان، چند بار هم بسوی آنان شلیک کرده اند. واقعه اخیر صبح روز 28/8/1385 در کنار روستا با شلیک مزدوران رژیم به یک کاروانچی بنام بختیار ساوجی، آغاز گردید که متأسفانه همانجا جان باخت. مردم معترض و خشمگین سردوش با مشاهده این واقعه دلخراش بلافاصله دسته جمعی با سنگ و چوب به مزدوران آموکش رژیم مستقر

در پلگاه حمله نموده و بعد از یک نبرد قهرمانانه سرانجام پلگاه را به تصرف خود در آورده و آنرا به آتش میکشند. بنابراین این واقعه، صفحه ۳

این خبر را حتما شنیدید من هم بسهم خود واقعه را در شکل تکمیلی آن بشرح زیر برایتان مینویسم البته قبل از بیان واقعه لازم میدانم توجه شما را به این نکته جلب کنم که دو سال اخیر مردم روستای سردوش در ارتباط با کار و معیشتشان و ایجاد مزاحمت های زیادی که بوسیله مزدوران رژیم مستقر در پلگاهی که که حدوده 500 متر از روستا پشان فاصله دارد درگیر شده و دسته جمعی به آنان حمله نموده اند. این حرکت با توجه به آن نارضایتی عمیق اهالی این روستا نسبت به مزدوران رژیم امری طبیعی است چون علاوه بر ایجاد مزاحمت روزمره در کسب و

حول شعارها و مطالبات آزادیخواهانه و فوری همه دانشجویان حق طلب و معترض و همه نهادها و کانونها ی مختلف دانشجویی ناراضی از وضع موجود دست در دست هم بگذاریم و علیه مختق کردن اوضاع به میدان بباییم مطالباتی چون آزادی عقیده و بیان و تشکل، لغو فوری احکام کمیته های انضباطی و احضاریه ها، خروج نیروهای انتظامی از دانشگاهها و محیط آموزشی، آزادی فوری زندانیان سیاسی، لغو آپارتاید جنسی و برافراشتن مجدد آزادی و برابری در 16 آذر ←

طرف دانشگاه و دانشجویان اتحاد و مبارزه آنها چرخیده است. جنب و جوش تاکنونی امید و امکان تحرک گسترده اعتراض دانشجویان را در دانشگاههای مهم کشور نوید میدهد. دانشجویان دانشگاههای شهرهای کردستان میتوانند بخش مهمی از این تحرک اعتراضی سراسری باشند. طبیعی است که فعالین و پیشروان دانشجویی منتهی است که ابتکارات لازم را برای ابراز وجود اعتراضی شایسته در 16 آذر امسال در دستور گذاشته اند. امسال باید بتوانیم



به دانشجویان و دانشگاهیان شهرهای کردستان!

16 آذر روز دانشجو، روز اتحاد و مبارزه و روز مقابله با ارتجاع و استبداد و اختناق نزدیک است. در تاریخ مبارزاتی جامعه ایران 16 آذر به عنوان سمبل آزادیخواهی، حق طلبی و اعتراض و ایستادگی نسل جوان و آگاه جامعه ثبت شده است. امسال نیز سرها به

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۹ - ۳۰ مهرماه ۱۳۸۵ (۱ - ۲۲ اکتبر ۲۰۰۶)

قطعهنامه در باره

طبقه کارگر و قدرت سیاسی

اعتراضات کارگری با وجود آنکه یک وجه جنبش اعتراضی عمومی علیه جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، اما عمدتاً محدود به بخش هایی هستند که در معرض بیکارسازی و عدم پرداخت دستمزد ها قرار دارند و مور حمایت فعال کارگران شاغل قرار نگرفته اند، و حتی در همین بخش نیز اعتراضات کارگری خصلتی پراکنده دارند و به مبنایی برای بهبود جدی معیشت این بخش و به طریق اولی زمینه عروج متحد و سیاسی کارگران تبدیل نشده اند؛ - با وجود برپایی مجامع عمومی در بسیاری حرکت و استفاده از آن بعنوان ظرف بسیج کارگران، هنوز این مجامع به صورت شکل تثبیت شده خردسال ماتیایی توده ای کارگری تثبیت نشده اند و کارگران

کارگران، تلاش برای رفع هرچه سریعتر موانع عروج طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مدعی قدرت و رهبر کل جامعه در مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برپا کردن یک زندگی انسانی، آزاد و برابر، و برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی در ایران است. از آنجا که: - فلاکت بی سابقه، بیکاری و بیکارسازی های بسیار گسترده، تفرقه بین کارگر شاغل و بیکار، بومی و مهاجر را دامن زده و حفظ و تامین شغل را به مشغله اصلی بسیاری از کارگران تبدیل کرده و آنها را در طرح مطالبات سراسری ناظر بر بهبود اوضاع اقتصادی و یا دخالت و حضور مستقیم و موثر در اوضاع سیاسی محتاط کرده است؛

بحران عمیق سیاسی و اقتصادی فعلی، اعتراض وسیع اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و چشم انداز سرنگونی، فروپاشی و اضمحلال آن، مساله آینده جامعه ایران را در مقابل طبقه کارگر قرار داده است. این فرصت تاریخی است تا طبقه کارگر بتواند در راس جنبش برای آزادی و برابری، برای مدرنیسم، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار بگیرد، اعتماد اقتدار معترض و آزادیخواه جامعه را به خود جلب کند، و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی و رهایی بخش انسان بشود. فراخوان اصلی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کارگران، به اعضا و فعالین خود و به همه کمونیست ها و رهبران



پیام صالح سرداری دبیر کمیته مریوان حزب حکمتیست به مردم سردوش مریوان!



سعید یگانه

شلیخ روانگرد قربانی فرهنگ ارتجاع اسلامی و مردسالاری شد.



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran -
Hokmatist

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام صالح سرداری دبیر کمیته مریوان حزب حکمتیست درد بر مردم روستای سردوش

و زندگی‌تان بی جواب نمیگذارد. میتوان کاری کرد که نیروهای نظامی و انتظامی به آسانی نتوانند در محلات شهر و در اماکن عمومی و در محیط کار و آموزش و در روستا حضور یابند. میتوان کاری کرد که نتوانند به بهانه های مختلف فشار و محدودیت را بر زندگی ما مردم تحمیل کنند. مردم روستای سردوش در یک اقدام بزرگ ولو برای مدت محدودی هم بوده، پاسگاه مزدوران جمهوری اسلامی را برچینند. خود را برای برچیدن قطعی موجودیت جمهوری اسلامی و همه دم و دستگاه آن باید حاضر کنیم.

در خاتمه از طرف کمیته مریوان حزب حکمتیست بار دیگر به مردم مبارز سردوش درد میفرستم و همزمان همدری عمیق خودم را با خانواده بختیار میرزایی و بستگانش اعلام میکنم.

صالح سرداری

دبیر کمیته مریوان حزب حکمتیست

به بازی بگیرند. درد بر جسارت و اتحاد و اراده ای که در این اعتراض موثر و بی امان از خود نشان دادید.

مردم مبارز مریوان و روستاهای حومه!

مردم روستای سردوش با این اعتراض موثر راه نشان دادند. نشان دادند با اتحاد و اراده و پیکار چگی میتوان ورق را برگرداند و تعرض مزدوران جمهوری اسلامی را بر علیه خویشان تبدیل کرد. میتوان به ضعف و زبونیشان کشانند. تجارب این اعتراض را باید به دست گرفت. در هر جا که هستید در محله و محیط کار و محیط آموزشی و یا روستا در مقابل تعرضات رژیم متحد و همبسته، دست در دست هم بگذارید و به میدان بیایید. متحد و متشکل شوید. تصمیم بگیرید هیچ تعرض آنها را در محیط کار

کردند. ضعف و زبونی رژیم و مزدورانش در برابر اراده متحد مردم بسیار عیان و آشکار بود. رپرتاژ فرید هوشیاری از شهر مریوان ابعاد کامل این مبارزه قاطع و متحدانه مردم را به خوبی منعکس کرده است.

مردم مبارز روستای سردوش!

شما با جسارت و ابتکار و اتحاد اعتراض و مبارزه بسیار مهمی را سازمان دادید. خشم و نفرت عمیق موجود در جامعه را نماینگی کردید. بار دیگر به مزدوران جمهوری اسلامی نشان دادید بر آتش زیر خاکستر نشسته اند و آنچه را در سردوش تجربه کردند، دیر یا زود در دیگر نقاط کردستان و ایران تجربه میکنند. کاری کردید که دیگر بار به آسانی نتوانند به مردم تعرض کنند و جان و زندگی انسانها را

روز 28 آبان سرکوبگران جمهوری اسلامی مستقر در پاسگاه نزدیک روستای سردوش حومه مریوان جنایت دیگری آفرینند. انسان زحمتکشی به نام بختیار میرزایی در اثر تیراندازی مزدوران این پاسگاه فورا جان باخت. این عمل جنایتکارانه خشم و نفرت عمیق ساکنین روستای سردوش را بر انگیخت. زن و مرد و پیر و جوان در اقدامی جسورانه متحد و پیکارچه به پایگاه مزدوران اسلامی تعرض کرده و آن را به تصرف در آوردند. تعدادی از مسئولین و مامورین رژیم در این پاسگاه را زخمی نمودند. مردم رزمنده و هوشیار مانورها و فریبکاریها و ترفندهای بعدی مقامات مختلف جمهوری اسلامی و مزدوران محلی را که از شهر و به قصد آرام کردن مردم به روستای سردوش آمده بودند، خنثی

پیام تسلیت به خانواده کارگران معدن ذغال سنگ «رودا اسلاسکا» در لهستان!

در اثر انفجار گاز «متان» از دیروز ده ها خانواده کارگر در مقابل معدن ذغال سنگ «رودا اسلاسکا» در انتظار کارگرانی هستند که در چنگال مرگ اسیر شده اند. امروز طبق خبر رسانه ها ۲۳ نفر از کارگران که همگی در مخزن ذغال سنگ با انفجار گاز «متان» جان باخته اند، را اعلام کردند. ۲۳ کارگر جان باخته، اولین قربانیان نظام مژدی سرمایه نیستند. امروز در لهستان و ایران و عراق و مالزی و کره جنوبی و ده ها کشور دنیا ناامنی محیط های کار جان کارگر این بردگان سرمایه را میگیرد. این نظام سرمایه داری و دولتهای بورژوازی هستند که باید مسئولیت جان و ناامنی محیط های کار را بپذیرند و از طرف میلیونها کارگر، مزدگیران جامعه و مردم مورد تنفر و لعنت قرار گیرند.

تشکیلات خارج کشور به تمام کارگران جهان، به کارگران معدن ذغال سنگ منطقه «رودا اسلاسکا» جان باختن ۲۳ کارگر را تسلیت میگوید. تشکیلات خرج از کشور حزب حکمتیست

اعتراضی هماهنگ را برای روز 16 آذر در دستور گذاشت. به این ترتیب اتحادی بزرگ و اعتراضی قدرتمند را در 16 آذر روز دانشجو سازمان داد.

تا روز 16 آذر لازمست بیشترین ارتباط و هماهنگی را با فعالین رادیکال دانشگاههای تهران و دیگر شهرهای بزرگ برقرار کرد. ابتکارات و اقدامات

آموزشی و دانشگاه و دبیرستانها در شهرهای کردستان است. دانشگاههای شهرهای کردستان از این فاکتور مساعد کمتر به نفع اتحاد و مبارزه خود استفاده کرده اند. آنچه عطف توجه فعالین آگاه و پیشرو و چپ دانشگاههای کردستان را میطلبد، این واقعیت است که چه نسبت به جنب و جوش اعتراضی موجود در دانشگاههای سراسر کشور و چه نسبت به تحرک اعتراضی عمومی موجود در شهرهای کردستان، دانشگاههای شهرهای کردستان خود را همگام نکرده و عقب هستند. تغییر این واقعیت و همگام شدن با تحرک اعتراضی دانشجویان سراسر کشور سر راست دست فعالین پیشرو و کمونیست دانشگاهها و محیط آموزشی شهرهای کردستان را میبوسد. 16 آذر امسال میتواند به این لحاظ نقطه عطف و پایه گذار دوره جدیدی از اتحاد مبارزاتی دانشگاهها و دانشجویان در کردستان و سراسر ایران باشد. در فرصت باقیمانده

امسال هم میتواند محور اتحاد صف گسترده اعتراض در محیط های مختلف آموزشی اعم از دانشگاهها و مدارس عالی و دبیرستانها باشد. حول این شعارها و مطالبات میتوان بیشترین نیروی اعتراضی ممکن را متحد کرد و در صفی واحد علیه ارتجاع و استبداد، قدرتمند به میدان آمد. دانشجویان دانشگاههای کردستان! فعالین پیشرو و چپ

انتظار طبیعی اینست همگام و هماهنگ با تحرک اعتراضی دانشجویان دانشگاههای مهم سراسر کشور، اعتراض و مبارزه دانشگاههای کردستان هم در 16 آذر با قدرت خود را نشان دهد. وجود شرایط اعتراضی مساعد در میان کارگران و عموم مردم شهرهای کردستان علیه جمهوری اسلامی، اتفاقا فاکتور بسیار مطلوبی برای گسترش اعتراض در محیط



آزادی، برابری

لغو آپارتاید جنسی

فروغ نیروهای انتظامی از دانشگاه ها

لغو فوری امکام کمیته های انضباطی

آزادی فوری زندانیان سیاسی

آزادی بیقید و شرط بیان

آزادی بیقید و شرط تشکل

www.jawanx.com
سازمان جوانان حکمتیست

۱۶ آذر روز دانشجو را باید به روزی که صف بسیار بزرگی از آزادیخواهان بر علیه استبداد رژیم اسلامی و افتخاق های متمدنه شعار آزادی و برابری را سر میدهند تبدیل کنیم.

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

شلیبر روانگرد قربانی فرهنگ ارتجاع اسلامی و مردسالاری شد.

سعید یگانه saaid1955@yahoo.de

باید تلاش کرد به این تراژدیهای انسانی پایان داد!

شلیبر روانگرد ساکن محله کوره موسوی در شهر مریوان در اثر فشارهای روحی و جسمی و تحقیر غیر انسانی شوهرش در تاریخ 22 آبانماه برای خلاصی از این زندگی پر از حقارت اقدام به خودسوزی کرد و بعد از دوازده روز تحمل درد و رنج فراوان متأسفانه در بیمارستان جان باخت. کمیته مریوان حزب حکمتیست در این رابطه طی اطلاعیه‌ای، خبر داده که شوهر شلیبر سه بار از نواج کرده و همسر دومش نیز بر اثر همین فشارهای غیر انسانی اقدام به خودسوزی و جان خود را از دست داده است. این دومین زن در یک خانواده است که در اثر فشارهای روحی و جسمی و اخلاقی ناشی از فرهنگ ناموس پرستی و مردسالاری قربانی شد. شلیبر دومین قربانی خشونت علیه زن فقط در یک خانواده است.

خودسوزی و مرگ شلیبر بدون شک وجدان هر انسان متمدن و آزادیخواه و آگاه از شرایط اسفبار زنان در ایران را بدر می‌آورد. خودسوزی شلیبر منحصر به فرد نیست. امروز در مریوان و هر روز در سایر نقاط ایران زنان زیادی بعلت خشونت روز مراه ناشی از فرهنگ عقب مانده و ناموس پرستی و فشارهای مضاعف در میان خانواده‌ها و از جانب مردان، از نواجهای اجباری و فرهنگ چند همسری دست به خودسوزی و خودکشی می‌زنند و یا از جانب نزدیکانشان به قتل می‌رسند که در کنار دیگر مصائب جاری زندگی مردم در

حاشیه می‌مانندو حساسیت چندانی نسبت به آن ایجاد نمی‌شود. خودسوزی و خودکشی در میان زنان متأسفانه به یکی از روشهای خلاصی از وضع موجود تبدیل شده است.

شلیبر یکی از هزاران قربانی نظام اسلامی و قرون وسطایی حاکم بر ایران و مرگ اومحصول فرهنگ ناموس پرستی و مردسالارانه و عقب مانده موجود در جامعه و خانواده است. فرهنگی که هر روزه توسط مذهب و دستگاه های تبلیغاتی و مذهبی و قانونی جمهوری اسلامی تولید و باز تولید و به جامعه تزریق می‌شود. با تلاش مداوم و با گشتهای حزب الله و ارشاد اسلامی و با ایجاد فضای اختناق آمیز بر جامعه زنان می‌کوشند آنان را در بند حقارت و بی حقوقی نگه دارند.

27 سال است که جمهوری اسلامی با قوانین اسلامی و فوق ارتجاعی و ضد زن، یک خشونت سیستماتیک و سازمان یافته دولتی و غیر دولتی و یک آپارتاید جنسی تمام عیار را علیه نصف انسانهای این جامعه، به جرم زن بودن اعمال میکند و آنها را از امکانات اجتماعی و تفریحی و شادی محروم کرده است و دست هر مرتجع و ضد زنی را برای تعرض و دست درازی به جسم و روح زنان باز گذاشته است. ستم کشی، بی حقوقی و زندگی حقارت بار زنان در ایران یکی از وجه مشخصه نظام جمهوری اسلامی بوده و هست و این رژیم بخشی از موجودیت خود را بر متن سرکوب و ستمکشی و پیامال کردن حقوق زنان در ایران تثبیت کرده و تداوم می‌بخشد.

امروز زنان در جامعه ایران ب تنگناهای زیادی روبرو هستند، اگر زنان مورد ستم و بی حقوقی و تجاوز قرار می‌گیرند. سر پناهی ندارند، خانه امنی وجود ندارد، قانونی نیست که از آنها حمایت بکند، حفاظتی ندارند و حتی خانواده در این شرایط جای امنی برای آنها نیست. طبق قوانین اسلامی زنان از قبل محکوم هستند به زندان و اعدام و سنگسار محکوم می‌شوند. در چنین شرایطی و در مقابل این همه فشار و ازیت و آزار متأسفانه با خودسوزی و خودکشی به زندگی خود پایان می‌دهند. اما این شرنوشت محتوم زنان در ایران نیست. جامعه و بخصوص زنان در مقابل این اجهافت و بی حقوقی ایستادگی کرده اند، اعتراض و مبارزه کرده اند و علارغم وجود اختناق و سرکوب از خواستهای خود برای بهبود در زندگی زنان کوتاه نیامده اند.

در طول عمر جمهوری اسلامی در مقابل خشونت و ستم بر زنان، مبارزه ای وسیع و اجتماعی و رادیکال از جانب زنان و مردان آزادیخواه علیه بی حقوقی زن و علیه آپارتاید جنسی در جریان بوده و به یکی از پایه های جنبش آزادیخواهی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خلاصی فرهنگی تبدیل شده است. این جنبش در هشت مارس ها در هفت تیر ها و به مناستهای مختلف با خواست و مطالبات انسانی و برابری طلبانه زنان و در اوج اختناق در یک کشمکش دائمی با دولت و حامیان قوانین و فرهنگ ضد زن بوده و هست.

باید با سازمان دادن یک مبارزه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی منرن و سکولار به مقابله با عقب ماندگی فرهنگی و ارتجاعی ناموس پرستی و مردسالارانه برخواست. در مدارس، دانشگاه ها در مجامع و کانونها و در میان خانواده ها و در محیط کار، به یک

جنبش سکولار فرهنگی دامن زد. عرصه را بر افکار ارتجاعی تنگ کرد، از حقوق زنان دفاع کرد و فشارهای اخلاقی و فرهنگی عقب افتاده را بر جامعه زنان کاهش داد. و بالاخره تا زمانی که جمهوری اسلامی در قدرت است. خشونت و بی حقوقی زن جزئی از حیات جامعه ایران است. مادام ستم کشی زن بخشی از قوانین این جامعه است، فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی و لغو تمامی قوانین اسارت بار زنان در یک نظام سکولار و انسانی، رفع ستم بر زنان و برقراری برابری زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌توان به بی حقوقی زنان پایان داد و زنجیر اسارت زنان را پاره کرد.

مرگ شلیبر روانگرد باید شهر مریوان را تکان دهد مردم را به خود بیورددی مردمی که در کوچ و محل و دور و نزدیک شاهد چنین اتفاقات تلخ و ناگوارند نسبت به حساسیت به خرج دهند. باید در مقابل این جنایت و ستم به زنان داد همه در بیاید. بیابکاری کرد که خبر مرگ شلیبر در شهر بیچید، به آن اعتراض کرد و نباید اجازه داد با سکوت و بی تفاوتی در کنار این جنایت گذشت. باید از حرمت و شخصیت زنان دفاع کرد و این تلاش دست مردم شرافتمند و آزادیخواه، زنان و مردان مبارز و سکولار مدافع حقوق زن را در شهر مریوان می‌بوسد. این وظیفه ما انسانهای سکولار، آزادیخواه، مدافع حقوق انسانی زن و مخالف تبعیض و نابرابری است. باید به این تراژدیهای انسانی پایان داد و به تلاش انسانی برای رهایی زن پیوست.

شرکت داشتند. در این روز اعلام آماده باش نیروهای رژیم در سطح شهر و حومه در جریان بود و تمام راه های ورودی به روستای سرنوش مسدود شده بود. در این نبرد کم نظیر علاوه بر تسخیر پایگاه و به آتش کشیدن آن، تقریباً تمام پرسنل موجود در پایگاه نیز مجروح و زخمی شده بودند و بهمین خاطر آنان را به بیمارستان مریوان و سنجند انتقال دادند.

4 آذر 1385 برابر 25 نوامبر 2006

باز تکثیر: کمیته مریوان حزب حکمتیست

مردم نه تنها به آن هیچ اعتنا نکردند بلکه مجدداً اعتراض و نارضایتی عمیق خود را برای برچیدن پاسگاه مزدوران از روستا و همچنین مجازات جانیان قاتل و شلیک کننده بسوی مردم را خواستار شده و به آنان هشدار دادند اگر این خواستهها برآورد نشود ما خردمان عملاً اقدام خواهیم کرد. در ادامه ناکام شدن دخالت مقامات محلی شهر برای بار چهارم تیم پزشکی رژیم همراه با جهاتگرد رضایی فرمانده نیروی انتظامی مریوان بمحل درگیری آمده و از مردم خواستند تا جنازه بختیار سلوچی که در محل درگیری باقی مانده بود را تحویل بگیرند و

امام جمعه شهر مریوان را همراه با تعدادی مزدور محلی منفور چون هیوا تاب و امثالهم را بار دیگر روانه سرنوش نموده تا باینوسیله خشم مردم جان به لب رسیده را فروکش دهند و موضوع را ختمه یافته قلمداد نمایند. بمحض ورود این مزدوران به روستا، مردم برای بار سوم با سنگ پرانی بسوی اینها، خشم و اعتراض مجدد خود را نشان دادند تا اینکه سرانجام با خواهش و التماس فراوان از مردم اجازه یافتند تا چند دقیقه ای راجع به این موضوع صحبت کنند. صحبت این مزدوران اساساً وعده و وعید های تو خالی و شناخته شده بود که

خلع سلاح از ص ۱

مزدوران گارد ویژه انتظامی همراه

با لباس شخصی های رژیم به محل درگیری میشتابند و با شلیک بسوی مردم درگیری مجدداً ادامه پیدا کرده و مردم روستا برای بار دوم به این بخش از مزدوران هم حمله نموده و آنان را به عقب می‌رانند. این بار هم تعرض مزدوران راه به جای نبرد در نتیجه رژیم حربه عوامفریبی را نیز بکار برده و برای بار سوم مرورانی چون: باسری ریس اطلاعات، کیانی فرمادار و ملا مصطفی شیرزاد

قطعنامه مصوب کنگره اول حزب... از ص ۱

فائق تشکل های واقعی و ارگانهای اعمال اراده مستقیم خود هستند؛

- جمهوری اسلامی ضمن خودداری از درگیری رو در رو با اعتراضات کارگران و اتخاذ تاکتیک خسته و فرسوده کردن آنها، در عین حال از یکسو با تمام توان دستگاه امنیتی و جاسوسی خود فعالین و رهبران رایکال و کمونیست کارگری را دستگیر و زندان و اخراج میکند، و از سوی دیگر از طریق شبکه دولتی شوراها و انجمن های اسلامی، خانه کارگر میکوشد تا شعارها و مطالبات و حرکات اعتراضی کارگری را که قابلیت بسیج سراسری طبقه کارگر را دارند، مسخ و مخدوش کند و در چهارچوب قانونی و امید بستن به دولت اسلامی مهار زند؛

- و مهمتر، از آنجا که تحت تاثیر عوامل فوق و عدم انسجام سیاسی و سازمانی رهبران عملی و فعالین کارگری حول یک پرچم کمونیستی کارگری، تمایل سیاسی مسلط بر طبقه کارگر در شرایط کنونی، از یکسو نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی و روز شماری برای سرنگونی آن و از سوی دیگر حالت انتظار، عدم دخالت فعال در دعاوی سیاسی، عدم شرکت متحد و فعال در جنبش های اعتراضی سیاسی روزمره جامعه است؛

از اینرو:

۱- کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست توجه کارگران را بر حساسیت شرایط تاریخی کنونی و لزوم حضور متحد و متشکل طبقه کارگر در صحنه سیاست، طرح مطالبات سراسری برای تغییر وضع معیشتی خود در قبال هر مسئله اجتماعی و بدست گرفتن عملی رهبری جنبش برای رهائی از فلاکت، حکومت مذهبی، اختناق، تبعیض جنسی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی جلب می کند. حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست معتقد است که یک فرصت تاریخی کمیاب برای طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت و تحقق شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری در ایران فراهم آمده است. کارگران باید سریعاً نقش خود را در راس جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی باز یابند.

۲- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه کارگران مبارز ایران را به اتحاد در صفوف حزب فرا میخواند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پرچمدار وحدت طبقاتی و ضامن حضور مستقل طبقه کارگر ایران در تحولات سیاسی تاریخ ساز جاری است.

۳- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بار دیگر بر اهمیت براه اندازی یک جنبش وسیع مجامع عمومی در کارگاهها و واحد های تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در غیاب هر نوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تامین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش توده ای و مطالباتی و اعتراضی کارگران است. مجمع عمومی ادامه کار ترین شویو سازماندهی حرکات توده ای در شرایط اختناق است.

۴- حزب همه فعالین کمونیست در طبقه کارگر را به پیگیری اولویت های زیر فرا میخواند:

* مبارزه علیه فلاکت، اتحاد کارگری علیه بیکاری
بیکاری رکن اساسی تحمیل فلاکت بر طبقه کارگر است. بیکاری تنها مسئله کارگران بیکار نیست، خطری است که هر کارگر شاغل را نیز تهدید میکند و شمشیری آویخته ای بر سر مقدرات هر خانواده کارگری است. سازمان دادن اتحاد کارگری علیه بیکاری شرط اساسی مهار کردن این اهرم قدرت سرمایه داران بر مقدرات کل طبقه کارگر است که حول خواست سرراست بیمه بیکاری

مکفی برای همه افراد بالاتر از ۱۶ سال میتواند سازمان یابد. طرح شعار هلی نظیر افزایش واقعی و بیمه سراسری دستمزد ها و بیمه بیکاری مکفی بویژه از سوی بخش های شاغل و موثر طبقه کارگر، متحد کردن صفوف کارگران شاغل و بیکار، بومی و مهاجر در مبارزه سراسری برای بهبود اوضاع معیشتی، حمایت فعال از اعتراضات کارگران در معرض بیکارسازی و برای گرفتن دستمزدهای معوقه، همچنین دفاع بی قید و شرط از حقوق کامل شهروندی برای همه مهاجرین از اجزا مهم این فراخوان است.

* برپایی جنبش مجامع عمومی
منظم کردن تشکلهای مجامع عمومی، روتین کردن تصمیم گیری کارگران در مجمع عمومی، انتخاب نماینده و گزارش دهی نمایندگان در مجمع بعنوان ارگانهای اعمال مستقیم اراده کارگران یک امر حیاتی است. همچنین همزمان، لازم است تا فعالین جنبش مجامع عمومی، بویژه و نمایندگان منتخب مجمع عمومی هر کارخانه با فعالین و نمایندگان مجامع عمومی کارخانه های منطقه خود با هم رشته خود تماس حاصل کنند و زمینه های اتحاد های وسیع منطقه ای و رشته ای کارگران را جهت سازمان دادن حرکات وسیع منطقه ای و رشته ای را فراهم آورند.

* مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی
کوتاه کردن دست این ارگانهای رژیم از دخالت در اعتراضات کارگری، مقابله با هرگونه ادعای شوراهای اسلامی و خانه کارگر در نمایندگی کارگران، چه در سطح جامعه و چه در سطح بین المللی، تحریم "انتخابات" و مقابله با تشکیل این ارگان ها، طرح فعال شعار انحلال شوراها و انجمن های اسلامی بعنوان نهاد های دست ساز و جاسوس جمهوری اسلامی و تلاش عملی برای بیرون راندن آنها از محیط کار.
* دخالت مستقیم در جدالهای

سیاسی در جامعه سرمایه داری مبارزه طبقه کارگر برای تحقق مطالبات اقتصادی فی نفسه کشمکش سیاسی است. اما در اوضاع کنونی ایران خصلت سیاسی مبارزه کارگری به مراتب عیان تر و برجسته تر است. هر اعتراض کارگری، ولو حول مطالبات اقتصادی و رفاهی کارگری، فوراً به مساله ثبات و بقا، و عدم بقا، رژیم اسلامی گره میخورد. اما به این نباید بسنده کرد. در اوضاع کنونی لازم است کارگران ایران آگاهانه وارد جدال سیاسی جاری در جامعه شوند. شعارها و مطالبات سیاسی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، آزادی اعتصاب و تشکل، آزادی بیان و مطبوعات، برابری زن و مرد، لغو حجاب، جدایی مذهب از دولت باید بر پرچم اعتراضات کارگری نقش بزند. جدالهای سیاسی در جامعه، جنبش های اعتراضی زنان و دانشجویان و یا شورش های شهری، همه عرصه هایی برای دخالت فعال و متحد کارگران است

و امکانی برای طبقه کارگر برای تبدیل شدن به رهبر ستم کشان و آزادیخواهان جامعه، را فراهم میکند.
* دخالت مستقیم در ممانعت از پاشیدن زندگی اجتماعی و عراقیزه شدن جامعه ایران
پاشیدن شیرازه زندگی اجتماعی و عراقیزه شدن ایران در نتیجه رقابت بخش های مختلف بورژوازی به یک سیر ممکن و یک امکان دهشتناک تبدیل شده است. بخش های مختلف بورژوازی از آمریکا و دارو و دسته های اسلامی درون و بیرون جمهوری اسلامی و قوم پرستان و ناسیونالیست های فارس، کرد، ترک، بلوچ و عرب نه تنها ابائی از تبدیل جامعه ایران به نمونه ویران تری از جامعه عراق ندارند بلکه چه بسا این سیر اضمحلال زندگی اجتماعی را برای خود مفید و پر منفعت می یابند. یک رکن مهم این سیر دامن زدن به هویت قومی و مذهبی در میان کارگران و

مردم زحمتکش است. نیروی اصلی اجتماعی که میتواند در مقابل این فاجعه سد به بندد طبقه کارگر است. حزب حکمتیست رهبران کارگری و فعالین کمونیست را فرا میخواند تا افشای جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست و ممانعت از دامن گرفتن هویت قومی و مذهبی در میان طبقه کارگر، افشای هرگونه توهم به آمریکا و نیروهای اپوزیسیون راست پرو غرب و بالاخره امر گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تضمین سرنگونی هرچه سریعتر از آن را جزو وظایف حیاتی این نور خود بدانند. رهبران کارگری و فعالین کمونیست باید طبقه کارگر را آماده کنند تا امکان اعمال قدرت مستقیم و متشکل طبقه کارگر برای کنترل محل زندگی و کار و برای سرکوب قدرتمند عوامل سناریو سیاه را فراهم کنند. یک شرط ممانعت از تحقق چنین سناریویی وجود چنین قدرت سازمان یافته ای در جامعه است.

* گسترش تشکیلات حزبی در محیط کار و زندگی
لازمه پیشبرد و هدایت منسجم تمام فعالیت های فوق وجود سازمان منضبط و سراسری بهترین و فاعلترین رهبران عملی کارگری و کمونیست ها است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تلمی کارگران آگاه و مبارز را به عضویت در صفوف خود و به تشکیل واحد های حزبی و عضو گیری وسیع در محیط کار و زندگی و به برقراری و حفظ رابطه سیاسی و تشکیلاتی با رهبری حزب فرا میخواند. این حزبی است که مصمم است تا در پیشاپیش صفوف طبقه کارگر "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به پرچم مبارزه توده های میلیونی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و بنای جامعه نوین تبدیل کند.

خبر

باز هم جنایت سرکوبگران جمهوری اسلامی

بانه: روز اول آذر ماه در منطقه مرزی بین ایران و عراق در محل بازار سیران بند مامورین نظامی جمهوری اسلامی به یک کاروانچی بنام حامد صالحی اهل روستای بوئین پایین که دستگاه سات لایت به همراه داشت، ایست میدهند. فرد مذکور از ترس مصارده اموال و دستگیری خودش، پا به فرار میگذازد. مزدوران جمهوری اسلامی طبق روال تالکونی به وی تیراندازی کرده و به شدت او را زخمی میکنند. انتقال وی به بیمارستان شهر بانه هم متاسفانه نمیتواند مانع مرگ وی شود. جنایات مزدوران جمهوری اسلامی علیه انسانهای زحمتکشی که در مناطق مرزی شغل کاروانچی دارند، مداوما ادامه دارد.

دستیار سردبیر:

esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:

husienzade_r@yahoo.com
Tel:0046739855837

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!